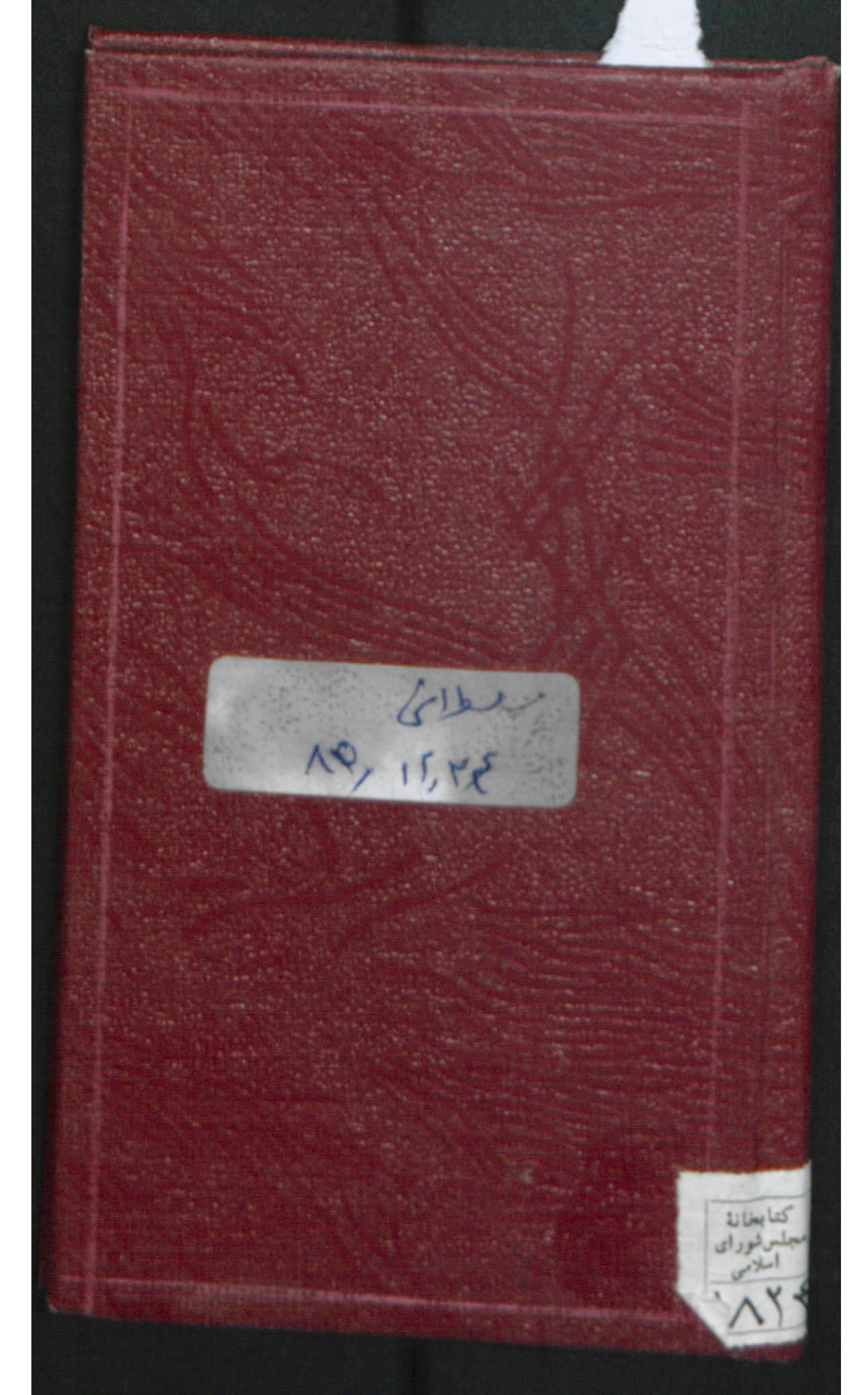
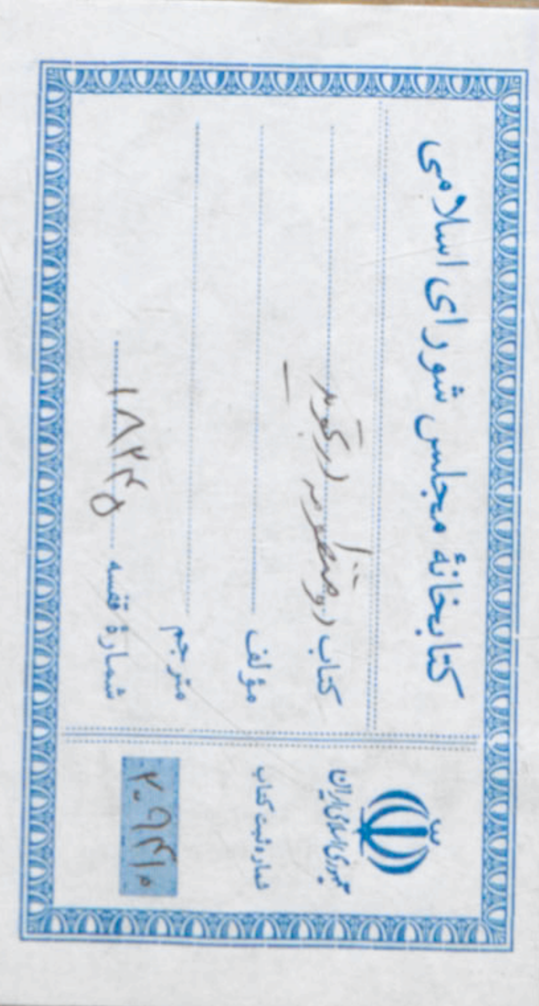

سلطانی
۸۵/۱۲/۲۴

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۸۲۴۵
جمهوری اسلامی ایران
شماره ثبت کتاب
۲۰۹۴۱۰


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۸۲۴۵
۱۸۲۴۵
۲۰۹۴۱۰
کتابخانه مجلس شورای اسلامی


کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۸۲۴۵
شمارهٔ ثبت کتاب
۲۰۹۴۱۰
18245
۲۰۹۴۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الكَرِيمِ الَّذِى

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ الْعَزِيزُ

الكَرِيمُ بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْغَفُورِ الَّذِى

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ الْعَزِيزُ

الْغَفُورُ فَاللّٰهُ خَيْرٌ حَافِظًا

وَهُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد مربی دو جهان — سامع حرف آشکار و نهان

وز پی حمد بیحد صلوات — بر رسول خدا و بر یاران

کوشش کن تا بیاری توفیق — مخرج حرفها کنیم بیان

در مخارج خلاف بسیار است — آنچه مشهور [illegible] اندر آن
[ای خامه بیان کنم]

نزده مخرج است گر خواهی — که شناسی خروج حرف از آن

همزهٔ فتحه دار را آور — بر سر حرف ساکنی بخوان

چون آب ام آخ اسم او ای — ما بقی این قیاس بدان

هفت حرفست مخرج حلق — اول و وسط و نهایت آن

الف ها و همزه از اقصاست — عین حا از میانش گشت عیان

غین خا که صاحب نقطند — ز ادنای حلق میشوند عیان

نزد بعضی [illegible] — بر قول جمهور دهان

مخرج [illegible] زده — قاف از منتهای کام زبان

مخرج کاف زیر جای قاف است — لیک فی الجمله هست برتر از آن

غلصم قاف کاف شد عکده — لهو هر دو راست نام نشان

غلصمه اول لهات بود — عکده آخرش بسوی دهان

مخرج جیم شین یا بیقین — وسط کام با میان زبان

از کنار زبان کنج دهان — وز طواحین ادای ضاد توان [توانی]

از سو زبان جانب چپ — لیک از سوی چپ بود آسان

مخرج نون سر زبان آمد　　با عدیل و از بن دندان

از کنار زبان آخر کام　　حرف لام است ای فرید زمان

مخرج را چو مخرج نون است　　لیک با اندکی ز پشت زبان

لام با نون را بود نزدیک　　لثه لحم است در بن دندان

مخرج طا و دال تا شده است　　بیخ دندان پیش ای سالکان

بعد از تیزی زبان دگر　　سر اسنان پیش ای سالکان

صاد با صاد و سین و زا باید　　که بماند تو فرجه به میان

از کنار ثنایاتین ز فوق　　فه ز لق اند که بر و نتر از آن

ذال با ظا و ثا برون آید　　دان ز لق تیز زبان ای جان

حل

چار حرف است مخرج تا لب　　فا است از دخل لب پایان

سر دندان با در چو ضم باید　　واو با میم با ز وسط لبان

مخرج آخرین دماغ بود　　میم تنوین نون از آن جا دان

چونکه ساکن بوند با اخفا　　مثل انهم جاءکم دیو ماکان

مجملا ذکر نام دندانها　　مینمایم به نصرت رحمان

چو ثنایا رباعیات انیاب　　پس ضواحک ذکر طواحن دان

چار دیگر نواجذ است بنام　　لیک نبود به بعضی از انسان

هر یکی نام چار دندان است　　جز طواحن که سه چار است آن

در ثنایا چار پیش را　　دو زبر دو زیر [illegible]

بعد اینها بیست دندان نست — کرده اظهر سن نامش استادانه
این چهل بیت شد تا تاریخ — در بیان مخارج یاران
زاهد تشنه‌لب بحر جوید — غرق از یم رحمت غفران
ربنا اغفر لنا خطایانا — انک المستعان والمنان

بسم الله الرحمن الرحیم

بعد حمد ثنا و مدح خدا — نعت پیغمبر دلیل هدا
بشنو این چند بیت تا گردد — مطلع بر قواعد قرا
نون تنوین نون ساکن را — چار حالت با حروف هجا
اول ادغام دویمین اظهار — سیومین قلب چارمین اخفا

هست در حرف یرملون ادغام — غنه در واو میم نون با یا
هست در شش حرف حلق اظهار — حرف قلب است با چو انبتنا
در حروف بقیه اخفا ساز — که شود غنه در وی پیدا
لام الله را بکن تفخیم — فتح ضم قبل از وی چو کرد نما
در الله کسره پیش از لام — چون قبل آید کن رقیق ادا
راچو مفتوح گشت یا مضموم — ساز تفخیم تا رهی ز خطا
راء مکسور را بکن ترقیق — چون که ساکن بود نظر بکشا
پس که ماقبل اگر بود مفتوح — یا که مضموم هر دو نیز ها بجو
ساز تفخیم گر بود مکسور — غیر ترقیق هیچ نیست روا

مکر آنذم که بعد او آید یکی از حرفهای استعلا

همچو قرطاس فرقه مرصاد شد بفرقه دو قول از علما

یا که آن کسره عارضی باشد مثل ارجع و مایصنا هیها

یا بود کسره در دگر کلمه مثل رب ارجعون خذ هذا

که به تفخیم اندرین حال کرده اجماع جمله فضلا

حرف مد واو و یا و الف است همچو یوصی بها و او دنیا

همزه چون بعد حرف مد آید مد بکش صاف نی بلحن خطا

اینچنین بعد حرف مد ساکن چونکه واقع شود مد است آنجا

چون بود حرف قلقله ساکن جنبشی ده ولی بحیز ادا

قطب

قطب جد را حروف قلقله دان هست قظ خص ضغط استعلا

در بود قبل بعد های ضمیر متحرک چو نونه منها

واو حاصل بکن ز ضمه او در بود کسره یا شود پیدا

در یکی از حروف بوف آید از پس میم ساکن از دانا

میل ده میم را بجانب ضم مثل کنتم بها و هم فیها

ذال در ذال ظا شود مدغم دال در دال اینچنین تا مد

تا تانیث را بکن ادغام در دو حرف تد کرد در طا

لام قل همچو لام بل مدغم شد در حرف لام هم در را

میم را زن ز وقف لازم دان طا بر وقف مطلق است اما

جیم رمز جواز وقف آمد   زا بتجویز وقف کرده ندا
قاف مشعر بضعف وجه وقف   در صلی وصل اولی را اشعار
موجب وقف بی تنفس دان   وقفه سین سکته را همه جا
رخصت آمد بوقت ضیق نفس   وقف را حرف صاد در هر جا
کاف در حکم سابق است قولا   جانب وقف او بود اقوی
وجه را هر بسوی وقف دهد   وقف دانش بحکم آیت تنها
چون شود ضم با بیه رمز دگر   حکم آن رمز میکند پیدا
لیک چون لا با آیه جمع شود   هست در اضطرار وقف روا
چون شوند اهل بصره با کوفه   متفق ثبت کن بهرده یا
ناسر

با بسر علین لیک در همه سر   ها نویس اکرین اهل صفا
در زمانی که مختلف باشند   یا و ها را بهم کنیم املا
بهر کوفی بهرده بحر   غب حب بهر کوفیان املا (بصریان)
تب ادت شاره بایت بصری است   لب نقیض ورست در معنی
لیک مخصوص آیت کوفی   شده در عرف زمره فضلا
مدنی ز آیت مدنیت   مکی ز مکی را آی شامی شا
یازده سوره در قرآن   که در وصل بسمله است اولی
فاتحه قارعه قمر رحمن   کهف انعام انبیا و سبا
سوره قارعه علق فاطر   در نه دیگر است قطع سزا

بینه با قتال الیکم   عبس تب دو دیل دولا

سجده در رعد نحل سبحان است   علق حج لیک در اولی

نمل فرقان نجم و انشقت   صاد اعراف سابق طه

باز در سجدتین لیک شما   جمله واجب بگفته فقها

بهر عبد الرؤف کردم نظم   بعنایات قادر مولا

تا شود مستفید از این ابیات   حق رساند بمقصد اعلا

تمت تمت

سنه ۱۲۶۵

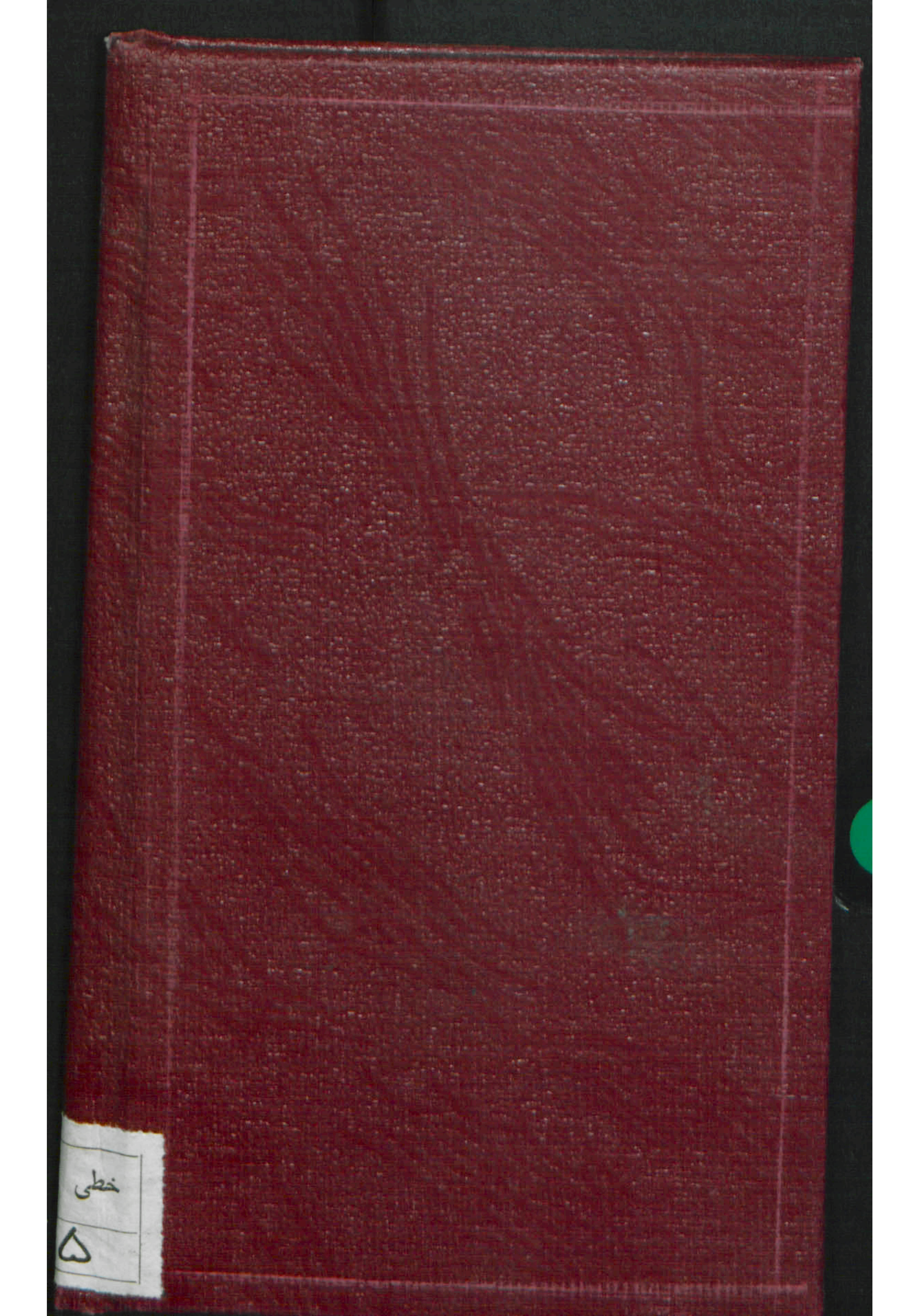
در خبر است که پیغمبر منور باد صلی الله علیه وسلم هر که
در روز یا در شب چهار رکعت نماز بگذارد به یک سلام
در هر رکعتی قل هو الله احد ده بار و بعد از آن سلام
صد بار بگوید لا اله الا هو الحی القیوم یا غفار الذنب
و اتوب الیه من جمیع الذنب و خطایی
طریقه زیارت قبر این است اول فاتحه یکبار آیته
الکرسی یکبار [illegible] بار سوره اخلاص پانزده بار
بخواند به روح عزیزان بخشد هر مرادیکه داشته
باشد خدای تعالی بر آرد



نادِ علیاً مظهر العجائب والغرائب
تجده عوناً لک فی النوائب
کل هم وغم سینجلی بعظمتک
یا الله وبنبوتک یا محمد
بولایتک یا علی یا علی
یا علی



کتابخانه مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
تاسیس ۱۳۰۲ هجری شمسی


خطی
۵